

# پرویز ناتل خانلری

## گزینہی اشعار

به اهتمام

ترانه ناتل خانلری

با گفتاری از دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی



انشارات مروارید

## فهرست

۷	شعر خانلری / محمدرضا شفیعی کدکنی	
۱۵	شعر نو	
۲۱	یادداشت / پرویز ناتل خانلری	
<b>شعرها:</b>		
۳۵	شعر نو	
۳۷	ماه در مرداب	
۴۰	تعمه باد سحر	
۴۲	یغمای شب	
۴۴	راز نیمشب	
۴۶	ظهر	
۴۸	روزهای مرده	
۵۰	صبح	
۵۲	بت پرست	
۵۵	مه برآمد	
۵۷	تشنه سرود	
۵۹	داستان شب	
۶۱	توروز	



۱۲۲	عوی سپید
۱۲۳	تهال کاج
۱۲۴	شب
۱۲۵	تنهایی
۱۲۶	مژده
۱۲۷	می خواری در گلزار
۱۲۸	هایی کایی
۱۳۱	شعر
۱۳۳	خواب خزان
۱۳۶	شکوه دلدار
۱۳۸	یل میرابو
۱۴۰	آفرینش

۱۴۳	گذشت چرخ کند باز هم گذار دگر / مهدی اخوان ثالث
۱۴۶	یک گفت و گو

۶۳	شعرهای کلاسیک
۶۵	عقاب
۷۴	فردوسی
۷۹	شیوه ناز
۸۲	ناگفته‌ها
۸۵	آشنای من
۸۸	سرگذشت
۹۲	ستاره صبح
۹۵	ملال
۹۸	یاد و آرزو
۱۰۱	تنها

۱۰۳	غزل‌ها
۱۰۵	دمی که گذشت
۱۰۷	جانان می‌رود
۱۰۹	نغمه گمشده
۱۱۱	مهتاب پاییز
۱۱۳	گرم و شورانگیز
۱۱۵	بازگشت

۱۱۷	ترجمه‌ها
۱۱۹	موشح تاجیکی
۱۲۰	پروانه
۱۲۱	ماتم خزان



سوی بالا شد و بالاتر شد  
 راست با مهر فلک همسر شد  
 لحظه‌ای چند بر این لوح کبود  
 نقطه‌ای بود و سپس هیچ نبود!

### شعر خانلری

محمدرضا شفیعی کدکنی

اگر قرار شود ده شعر برجسته از عصر ما انتخاب شود، احتمال انتخاب کدام شعرها بیش تر خواهد بود؟ پیداست که این جا قلمرو سلیقه است. اگر این پرسش را با بعضی از گویندگان معاصر در میان نهیم طبیعی است که هر ده شعر را از خودشان انتخاب خواهند فرمود و بعضی از آن‌ها اگر اندکی شرم و شرف داشته باشند، این ده شعر را از حوزه سلیقه شخصی و سبک مورد پسند خودشان و شاعران هم‌مکتب و هم‌اسلوب خودشان انتخاب خواهند کرد یعنی اسلوبی که آنان بدان اسلوب شعر می‌گویند؛ مثلاً غزل سبک هندی یا شعر بی‌وزن یا شعر منشور. در برابر چنین پرسشی البته چنین پیشنهادها و انتخاب‌هایی بسیار طبیعی می‌نماید. اما اگر از همه شعر دوستان و شعرشناسان عصر، به وسیله‌ای بتوان کسب اطلاع کرد، در آن صورت معلوم نیست، آن ده شعری که بیش‌ترین پسندها را جمع کرده‌اند، کدام شعرها خواهند بود. آن‌چه من در آن تردیدی ندارم این است که شعر «عقاب» خانلری یکی از آن ده شعر است. درباره آن نه شعر دیگر اختلاف نظرها بیش‌تر خواهد بود. شاید کمتر شعری از میان شعرهای معاصر بتوان یافت که در چنین موقعیت و

۲۲۱ ..... تبیین

شعرهای کلاسیک ..... ۲۲۵

عقاب ..... ۲۲۵

فرمود ..... ۲۲۵

شعر ..... ۲۲۵

از استاد دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی و دکتر ایرج ..... ۲۲۵

پارسی نژاد که در فراهم آوردن این دفتر همکاری ..... ۲۲۵

کرده‌اند سپاسگزاریم. ..... ۲۲۵

انتشارات مروارید ..... ۲۲۵

۲۲۶ ..... تبیین

۲۲۷ ..... تبیین

۲۲۸ ..... تبیین

۲۲۹ ..... تبیین

۲۳۰ ..... تبیین

۲۳۱ ..... تبیین

۲۳۲ ..... تبیین

۲۳۳ ..... تبیین

۲۳۴ ..... تبیین

۲۳۵ ..... تبیین

۲۳۶ ..... تبیین

۲۳۷ ..... تبیین

۲۳۸ ..... تبیین

۲۳۹ ..... تبیین

۲۴۰ ..... تبیین



مناسبتی، بیش‌ترین تأیید را به همراه داشته باشد.

خانلری در میان شاعران صد سال اخیر ایران، با کمترین حجم شعر، بیش‌ترین پایگاه شعری را به دست آورده است. وقتی به مجموعه‌ی کوچک «ماه در مُرداب» که تقریباً حاوی تمامی شعرهای اوست نگاه می‌افکنیم تعجب می‌کنیم که شاعری که در همهٔ مباحث جدی تاریخ شعر معاصر، یکی از چهره‌های مورد بحث است، مجموعهٔ میراث شعری او به صد صفحه هم نمی‌رسد. از آن‌جا که «صفحه» تعریف علمی و دقیقی ندارد اجازه بدهید بگویم، به ششصد بیت (= هزار و دویست سطر) هم نمی‌رسد. از قدما فقط باباطاهر و خیام را داریم که در چنین حجم کمی صدرنشین تاریخ شعر هزار و دویست سالهٔ ما شده‌اند و در متأخران، و به‌ویژه در صد سال اخیر، این خانلری است که با چنین حجم بسیار محدودی از شعر، تا بدین حد مورد توجه و بحث قرار گرفته است.

از سوی دیگر بیش‌ترین فعالیت شعری او بین سال ۱۳۱۰-۱۳۲۵ بوده است یعنی مدتی کوتاه، البته نمونه‌های اندکی هم به تاریخ سال‌های بعد، دارد ولی نگاهی به تاریخ‌های شعرها نشان می‌دهد که او، از ۱۳۳۰ به بعد، کمتر کار شعر را به جد گرفته و بیش‌تر سرگرم کارهای تحقیقی شده است زیرا آن‌گونه کارها را برای بقای فرهنگ ایران‌زمین - که خانلری عاشق شیدای آن بود - ضروری‌تر می‌دانسته است.

با همه وقت اندکی که خانلری صرف سرودن شعر کرده است و با همه حجم کمی که میراث شعری او را تشکیل می‌دهد، باید به تأثیر او بر شعر نسل بعد از وی توجه کرد. خانلری در زمینهٔ تجدّد شعری، گام‌هایی برداشته که در انبوه گرد و غبار ادعاهای روزنامگی، قابل‌رؤیت نیست ولی در جستجوهای علمی و دانشگاهی، به راحتی می‌توان از تأثیر کارهای او، بر نسل‌های بعد، سخن گفت. بحث ما در این‌جا بر سر آراء شعری او نیست. موضوع این مقاله فقط شعر و شاعری اوست و نه پایگاه او در نقد شعر؛ پایگاه او را در نقد شعر باید جداگانه مورد بررسی قرار داد و تاریخ فرهنگ ایران‌زمین هرگز هُشدارهای دقیق او را در پاسداری از زبان

فارسی در برابر حضرات الأرضی که در روزنامه‌ها و مجله‌های معلوم‌الحال هر روز یابیه‌ای صادر می‌کردند و مکتبی بنیاد می‌نهادند - که عمرش به اندازهٔ عمر همان شمارهٔ آن مجله بود و با شمارهٔ بعدی همان مجله، مکتب دیگر و موج دیگری سر بر می‌کرد و مکتب قبلی را به فراموشی می‌سپرد - از یاد نخواهد بُرد و همواره سپاسدار آن هوشیاری‌ها و نگرانی‌ها خواهد بود.

خانلری را در کنار نیما و گلچین‌گیلانی باید از نخستین شاعرانی به‌شمار آورد که مفهوم تجدّد در شعر را عملاً ادراک کردند و برای به سامان رساندن آن کوشیدند. راستی در برابر حجم انبوه حرف‌هایی که دربارهٔ نیما زده شده است - و عوامل سیاسی و شخصی را بعدها باید از حق آن بزرگ جدا کرد - برای خانلری هیچ حقی نباید قائل شد؟ هیچ عاقل نپسندد که چنین داوری داشته باشیم. حق این است که خانلری با نمونه‌هایی از شعر نو، که از ۱۳۱۶ (شعر ماه در مرداب) و حتی پیش از آن در ۱۳۱۲ (شعر ستارهٔ صبح) عرضه کرد و نیما، در ارزش احساسات آن شعر را در میان تجربه‌های نو معاصران، دلچسب و حسّاس خواند، یکی از پیشاهنگان این تحول بوده است و در سال‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰ با انتشار نمونه‌های معتدلی از شعر غنایی نو، ذهن‌ها را با ضرورت تجدّد در شعر آشنا کرد و حق این است که جمعی از جوانان مایه‌ور آن سال‌ها از طریق خانلری به ضرورت تجدّد در شعر فارسی پی بُردند و حق این است که آثار آن روز تولّلی و نادرپور و سایه و مشیری و جمع کثیری از جوانان نوجوی آن سال‌ها، بیش از آن‌که متأثر از نیما یوشیج، باشد متأثر از نمونه‌های شعری خانلری و آراء انتقادی او بوده است. این‌ها به هیچ روی از مقام شامخ نیما در پیشاهنگی تجدّد شعری زبان فارسی نمی‌کاهد. اگر به جُنگی که پرویز داریوش از شعر نو فارسی در ۱۳۲۵ و با عنوان «نمونه‌های شعر نو» انتخاب و منتشر کرده است نگاه کنیم، می‌بینیم که سهم خانلری در این تجدّد، سهم قابل‌ملاحظه‌ای است، حتی به‌لحاظ ارائهٔ نمونه‌ها، سهم او از همهٔ شاعران آن کتاب بیش‌تر است. من تصور نمی‌کنم که داریوش در آن انتخاب پارتی‌بازی کرده